

دیدگاه

دوست داشتنِ دوستی با مردمان فقیر و ندار جامعه، خود، دلیلی کافی است که آدمی جزو فرهیختگان به شمار آید. همین، نشان از آن دارد که بدون عنصر اخلاق، نتوان آدمی را شناخت؛ همچنان که آدمی نیز نتواند بدون حُسن خلق، خود را به سر منزل انسانیت برساند. و ظرف وجودی انسان را از ازل، با گوه‌ری سرشته‌اند که سکه‌اش، دور و دارد؛ اخلاق و دانش.

اساساً وقتی صحبت از جامعهٔ سردفتری می‌شود، حقوق سردفتری به عنوان دانش و آموزهٔ علمی-دانشگاهی سردفتر و دفتریار، متبادر به ذهن می‌شود. به نحوی که در مقام تفکیک و جداسازی سردفتران و دفتریاران از حیث نوع علم و دانشی که آموخته‌اند، دانش آموختگان رشتهٔ حقوق، عدد غالب را نشان می‌دهد. همین عدد غالب نیز در جایی دیگر، نمایانگر است؛ وقتی از اخلاق، به عنوان عنصر شناخت یاد می‌شود، کم‌اند در بین جامعهٔ سردفتری اعم از سردفتر و دفتریار که متخلق به اخلاق الهی-انسانی نباشند. و عداد آنان که خرق عادت پیشینیان نموده و به اشتباه، چند صباحی، راه خطاطی نموده‌اند، چنان اندک و کم‌شمار است که؛ النادر کالمعدوم.

فطرت آدمی، متضمن قواعدی است که قوانین طبیعی بر آن حاکم است. و هیچ انسانی، زاده

نشده است که عاری از فطرت پاک الهی باشد. اما این محیط آدمی است که هم اثرپذیر است و هم اثرگذار؛ بر تک تک افراد جامعه، گاهی چنان محیط می شود که راه گریزی نیست. و یکی از ابزارهای محیطی حوزه زندگی آدمیان، قوانین و مقررات اند.

و اکنون، مقررات حاکم بر جامعه سردفتری، چنان بر تاروپود زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی این قشر از جامعه حقوقی کشور، تنیده است که؛ آنکه هنر ساختن تار عنکبوت را ندارد و توان تجزیه و تحلیل و تفسیر حقوقی اش از قوانین و مقررات، ضعیف است، گریزگاه خویش را در پاره کردن تار مستحکم آن قانونی می داند که به گمانش، مانع رشد و کمال اوست. همین است که گاهی پرندگانِ نازیبا، آواز خوش تری سر می دهند!

باید چاره‌ای اندیشید تا جامعه سردفتری ایران اسلامی از این گذرگاه، در کمال آرامش و سلامت اقتصادی برای رسیدن به سرمنزل مقصود یعنی انسانیت، توشه‌ای اخلاقی بردارد.

مدیرمسئول